

زندگی روزانه در خیابان

چکیده | تجربه فضا در خلال زندگی روزمره بر پایه ویژگی‌های آن مقوله‌ای است که منجر به نحوه شناخت و ارزیابی کاربران در فضا می‌شود. به منظور بررسی این تجربه در فضای خیابان و شناخت ویژگی‌های مشترک بین خیابان‌های مطلوب که آن‌ها را برای کاربران جذاب و مطلوب می‌سازد خیابان آزادی حد فاصل میدان انقلاب تا اکباتان به عنوان فضایی که علی‌رغم اهمیت کالبدی و موقعیت آن فاقد کیفیت لازم برای حضور پیاده است و خیابان‌های خیام در قزوین و خیابان مطهری در رشت که بر پایه مصاحبه با شهروندان در تحقیقات قبلی از جذابیت لازم جهت حضور در مکان برخوردار هستند، انتخاب شده‌اند. هدف این تحقیق مقایسه بین دو فضای اخیر و محور آزادی است تا بتوان به این پرسش پاسخ داد که تفاوت کیفی این فضاها مربوط به کدام یک از متغیرهای تحقیق است. متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق مبتنی بر سه مؤلفه مطالعه «فینش‌تین» بر عدالت در فضا شامل تنوع، برابری و دموکراسی و مؤلفه‌های مطالعه «لینچ» درباره عوامل مطلوبیت فضای شهری شامل دوام، معنا، تناسب، دسترسی، اختیار، عدالت و کارایی هستند. نتایج حاکی از آن است که آنچه توانسته خیابان‌های مطهری و خیام را به فضاهایی مطلوب مبدل سازد، عامل دوام و کارایی فضا است که زمینه‌ساز حمایت فضا از زندگی روزمره افراد است.

واژگان کلیدی | خیابان آزادی، خیابان مطهری، خیابان خیام، زندگی روزمره، عدالت، نظریه لینچ.

مریم چرخچیان
دکتری معماری، دانشگاه پیام نور

m_charkhchian@pnu.ac.ir

مقدمه | مطالعات نشان می‌دهد فرم و کالبد شهر نه تنها در زندگی روزمره افراد، بلکه در طبقه‌بندی اجتماعی و الگوی زندگی آنها نقش دارد و در عین حال میان ویژگی‌های خیابان و خصوصیات فردی و اجتماعی افراد نیز رابطه‌ای وجود دارد (Pham et al, 2017). به طور کلی، سه پارادایم گوناگون در عرصه شهرسازی شامل نوشهرسازی، شهرسازی روزمره و پسا شهرسازی وجود دارد. نوشهرسازی طراحی شهری را مبتنی بر کیفیاتی از قبیل قابلیت قدم زدن در فضا، فشردگی فضا، مقیاس انسانی و سلسله‌مراتبی از فضاهای خصوصی و عمومی می‌داند که مردم را به تعاملات چهره به چهره دعوت می‌کند. شهرسازی روزمره به اندازه نوشهرسازی آرمان‌گرا نبوده و بر واقعیات زندگی روزمره استوار است. این رویکرد باور دارد که ارتباط بین زندگی روزمره و طراحی شهری در خلال فضاهای عمومی شکل می‌گیرد (Crawford et al, 2005). با این دیدگاه، شهرسازی به دنبال احیای دوباره معنای انسانی محیط شهری و قلمرو عمومی با توجه به عملکردهای روزانه و جنبه‌های بالقوه آن است (Certeau, 1984). در این میان، پارادایم پسا شهرسازی به اندازه دو رویکرد قبل در محافل تخصصی و دانشگاهی جذابیت نداشته و گاه شهرسازی منظر یا شهرسازی زیرساخت نامیده می‌شود. در میان سه پارادایم مذکور، شهرسازی روزمره جذاب‌ترین و دموکراتیک‌ترین رویکرد است و طراح به مثابه دانشجویی است که شرایط معمول و عمومی را تجربه می‌کند تا شرایط ایده آل.

میچل بر مبنای نظریه لفور، فضاهای شهری را در رابطه با زندگی روزمره یعنی کار، بازی، خرید و زندگی تعریف می‌کند (Lefebvre, 1996 in Purcell, 2003). لاو نیز توضیح می‌دهد که مردم در حین تمرین اجتماعی، محیط کالبدی خود را برای پاسخگویی به نیازهای مختلف خود شکل می‌دهند و به عنوان عامل اجتماعی که واقعیات و معانی خودش را می‌سازد عمل می‌کنند (Low, 1996). لفور این مقوله را با معرفی سه الگوی متفاوت از فضا شامل: فضای دریافت شده، فضای شناخته شده، فضای ذهنی؛ تبیین می‌کند

که در زندگی روزمره مردم تجربه می‌شود. فضای دریافت شده از طریق تمرین و تجربه زندگی روزمره در شهر ساخته می‌شود. فضای شناخته شده به تصاویر فضایی که نتیجه شناخت و فرایند تفکر بوده و فضا را در ذهن کاربر شکل می‌دهد و به وسیله معماران، طراحان شهری و برنامه‌ریزان پدید می‌آید اشاره دارد. فضای ذهنی فضایی است که ساکنین در ذهن خود بر اساس تجارب زندگی شده به آن تجسم می‌بخشند و برای آنها جنبه عاطفی و معنایی دارد (Lefebvre, 1991). به طور مشابه، دولورز هایدن (۱۹۹۵) نیز به این مقوله اشاره می‌کند که قدرت یک مکان در داستان‌ها و روایت‌های روزمره مردم است که دائماً برای خلق مکان در حال فعالیت هستند (Hayden, 1995). با این مقدمه، تحقیق حاضر با انتخاب چند نمونه از فضاهای عمومی موفق و ناموفق و بررسی آنها از طریق تجربه مستقیم فضا در چارچوب معیارهای مطرح شده از سوی لینچ، سعی دارد به دو پرسش اصلی پاسخ دهد: اولاً هر یک از فضاهای مورد مطالعه دارای چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مثبت و منفی بر اساس نظریه لینچ هستند؟ ثانیاً ویژگی‌های مشترک مطلوب و نامطلوب میان فضاهای نمونه در خلال تجربه زندگی روزمره کدامند؟

فضای عمومی مطلوب در خلال زندگی روزمره

لفور و کراوفورد هر دو بر اهمیت قلمرو عمومی به‌عنوان مکان فعالیت‌های روزمره تأکید می‌کنند. ما به فضاهای عمومی عادلانه در متن زندگی روزمره خود در شهر نیازمندیم و این فضاها نقش مهمی در ایجاد دموکراسی و امکان مشارکت شهروندان در فضایی دموکراتیک ایفا می‌کنند. با این نگاه، فضاهای عمومی فرصتی برای تعامل با دوستان و بیگانگان و مجادله قدرت فراهم می‌آورند و از طریق شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، حس تعلق و امنیت افراد در فضا را توسعه می‌دهند. در میان الگوهای مختلف فضاهای عمومی، خیابان همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ با پیشرفت تکنولوژی و معرفی کف‌سازی‌ها و پیاده‌راه‌ها، لبه خیابان به یک فضای عمومی اجتماعی تبدیل شد.

به خلق شهرهای همه شمول پرداخته و گروه‌های مختلف اجتماعی مانند ناتوانان یا کم‌توانان جسمی، افرادی که مشکلات روحی و روانی دارند و حتی پناه‌جویانی که در کشورهای مختلف مهاجرت می‌کنند را مورد توجه قرار داده‌اند (Hamer, 2017).

جمع‌بندی مطالعات مذکور نشان می‌دهد می‌توان در این باره به دو مثلث: دموکراسی، برابری و تنوع و نیز فضای درک شده، زندگی شده و تصور شده اشاره کرد که در هم تنیده‌اند و در بطن خود ابعاد مختلفی چون معنا، دسترسی، تناسب، بقا، کارایی و عدالت را دارند که در نمودار ۱ در قالب مدلی آورده شده است.

این تصویر نشان می‌دهد دریافت شهروندان از عدالت شهر ابعاد گوناگونی دارد که از خلال فضاهای رسمی و غیررسمی، فضاهای عمومی شهری، زندگی روزمره و تعاملات که شکل دهنده فضای پیرامون انسان است صورت می‌گیرد که ظرفیت‌های مکان یعنی معنا، دسترسی، تناسب، بقا و کارایی در آن نقش مستقیم دارد و به همین دلیل، مبنای تحقیق حاضر قرار گرفته است.

روش تحقیق

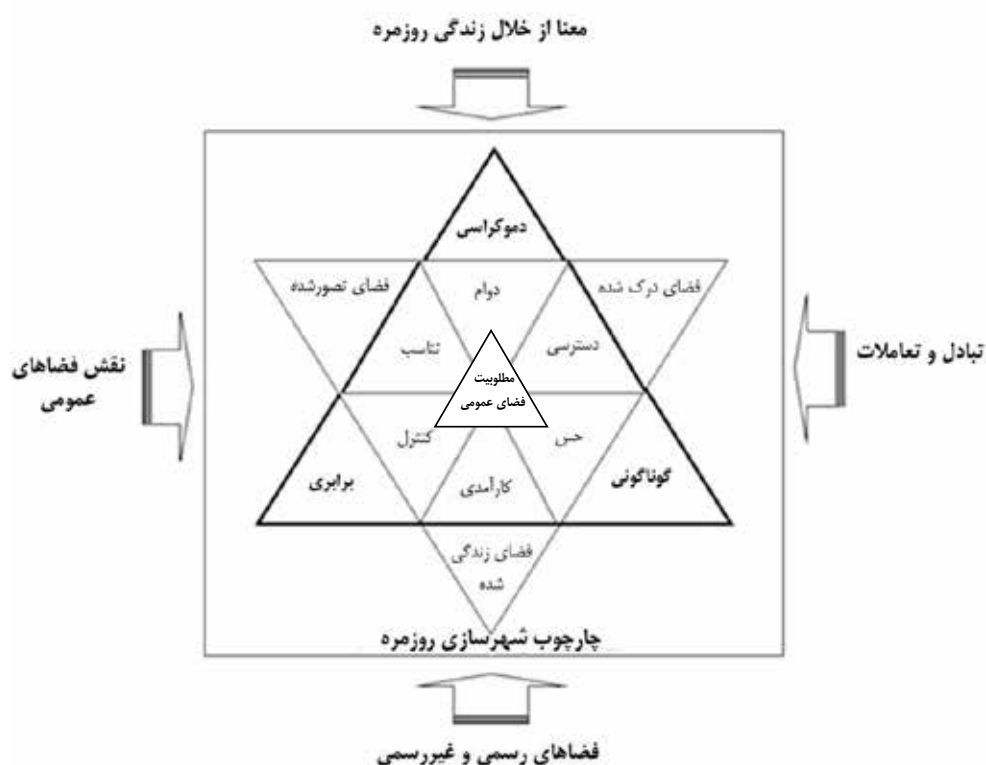
در مطالعه یک پدیده یکی از روش‌های رایج، برداشت‌های اول شخص محقق^۱ است که تجارب دست اول محقق براساس مشاهدات او مبنای تحقیق است. دستاورد چنین مطالعاتی، یادداشت‌های توصیفی (از حالات و حرکات، گفتگوها، موقعیت‌ها، فعالیت‌ها و رفتارها) و یادداشت‌های منطقی و تحلیلی محقق براساس مشاهده است که به صورت سیستماتیک و غیرسیستماتیک صورت می‌گیرد که نوع دوم آن، بر تبیین ابعاد نظری موضوع، تعیین ساختار و متغیرها و سنجش آنها استوار است (Low, 2005). در تحقیق حاضر مطالعات ویولیچ (Violic) در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۸۵ و تومبز (Toombs) در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۲ به عنوان مصادیق این نوع از تحقیق، مورد استفاده قرار گرفته است. مطالعه کلارک نیز نشان داد برای طراحی بر مبنای زندگی پیاده بهترین روش استفاده از مشاهده‌کنندگان و محققان آموزش دیده است که ضمن برداشت ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی مکان و ضبط آن بتوانند به این امر کمک کنند (Pliakas et al, 2017).

بلوارهای هوسمان نه تنها به نور خورشید اجازه داد که بین ساختمان‌ها بتابد بلکه فضایی برای خیابان و پیاده‌روها و فعالیت‌های اجتماعی فراهم کرد که ایده‌های وی به عنوان پایه‌ای برای فضاهای عمومی آینده در سراسر جهان به کار رفته است (Zachary & Orum, 2010).

در این میان، کیفیات متعددی وجود دارند که فضاهای عمومی را به عرصه‌ای دموکراتیک بدل می‌کنند که محققینی مانند کار، لینچ و گل به آن اشاره کرده‌اند. با توجه به این امر، فرانسویس جنبه‌های مختلف فضاهای عمومی را به وسیله تنوع کاربران و کاربری‌ها، آسایش، دسترسی، معنای محیطی، کشف، چالش، مشارکت، کنترل، اصلاح، تضاد و حل، کیفیات اکولوژیکی و در نهایت ارزیابی و مدیریت تبیین می‌کند (Francis, 1988). فضاهای عمومی باید برای عملکردها و اهداف گوناگون و نیز با توجه به نحوه کاربری متفاوت شهروندان طراحی شوند (Walzer, 1986: 470). دستاورد برابری، تأکید بر عمومی بودن در برابر خصوصی بودن و زمینه‌ای مشترک برای معانی است که باید با آن برای معناداری، دموکراتیک بودن و حمایت‌کننده بودن بیشتر مواجه شد (Carr et al, 1992: 242).

به طور کلی، نیاز به عدالت در شهر در زمان بحران‌ها و افراط‌گرایی قرن ۱۹ و در زمان افسردگی اجتماعی کشورهای غربی مطرح شد (Fainstein, 2010:166). هر شهروند مستحق داشتن میزان حداقلی از سرزندگی محیطی، هویت، کنترل و فرصت است و طراحی شهری مطلوب باید فقرا و ثروتمندان را به یک نسبت مورد توجه قرار دهد (Jacobs & Appleyard, 1987). لغور در رابطه با حقوق شهری به طور خاص بر مقابله با خصوصی‌سازی فضاهای عمومی و حفظ تنوع اجتماعی اشاره می‌کند (Lefebvre, 1996; Mitchell, 2003).

به منظور دستیابی به عدالت در شهر، فهرستی از ارزش‌های ضروری که باید تا حداکثر ممکن به آنها دست یافت مطرح است که شامل: دموکراسی، برابری، تنوع، رشد و پایداری است (Fainstein, 2010: 183-184). مطالعات مختلفی در این رابطه وجود دارند که با تمرکز بر بُعد برابری در شهرهای عدالت محور



نمودار ۱. تلفیق تئوری زندگی روزمره، تولید فضا و تئوری لینچ. مأخذ: نگارنده.

۳. تناسب: واژه تناسب با انطباق کالبد و شکل با رفتار کابرن در فضا و انعطاف پذیری آن تعریف می‌شود.

۴. دسترسی: مفهوم در دسترس بودن فضا برای گروه‌های مختلف مستلزم تنوع، عدالت و پذیرا بودن برای حضور گروه‌های مختلف است.

۵. کنترل: بر اساس نظریه لینچ این عامل به نظارت مطلوب و اطمینان (وضوح حوزه‌ها)، پاسخگویی مسئولین در نگهداری از فضا و سازگاری و عدم تضاد میان حوزه‌های مختلف پاسخگو به فضا است. اختیار و نظارت در فضا به حق حضور در مکان، حق استفاده آزادانه افراد از مکان، حق اختصاص دادن مکان به خود، حق تغییر و اصلاح، حق واگذاری، روشن بودن محدوده‌های تحت نظارت و پاسخگویی در صورت بروز هرگونه مشکل در مکان و عدم تناقض میان حوزه‌های مختلف مسئول در فضا اشاره دارد.

۶. کارایی و عدالت: بررسی کارایی در پاسخ به این پرسش است که آیا تعادلی میان پنج معیار اول وجود دارد؟ یعنی به‌عنوان مثال دسترسی نظارت را مختل می‌سازد؟ یا دسترسی مطلوب سواره عدم

لذا با عنایت به تحقیق مذکور، مطالعه حاضر به طور مشابه، سه خیابان آزادی (تهران)، خیام (قزوین) و مطهری (رشت) را مورد بررسی قرار داده است که نمونه اول براساس مصاحبه‌های اولیه با شهروندان چندان موفق نبوده و دو نمونه دیگر براساس مصاحبه با شهروندان و تحقیق‌های پیشین محقق و همکاران موفق بوده است (بهارستانی، ۱۳۹۳؛ چرخچیان، ۱۳۸۸). این تحقیق بر پایه نظریه لینچ و نظریه شهرسازی روزمره بر پایه تجربه مستقیم فضا و نظریه فینشتن در رابطه با مفهوم عدالت در شهر انجام گرفته که به چارچوب نظری آن در نمودار ۱ اشاره شده است. متغیرهای اصلی تحقیق شامل موارد زیر است که براساس مشاهدات مستقیم، امتیازهایی بین ۱ تا ۱۰ به هر یک از طریق امتیازدهی مؤلفه‌های آن داده شده است:

۱. دوام: دوام به سه عامل پایداری، ایمنی و سازگاری بستگی دارد.
۲. معنا: معنا به قابل تشخیص بودن، سازمان یافتگی، شفافیت، خوانایی و اهمیت اشاره دارد.

نیز به این خیابان نقش دروازه‌ای را اعطا کرده است (تصاویر ۱ تا ۳).

ب- خیابان خیام (قزوین)

این خیابان در مجاورت مرکز تاریخی شهر قزوین قرار دارد که نه تنها به دلیل بدنه تجاری آن برای قدم زدن و خرید کردن ساکنین شهر جذابیت دارد بلکه جاذبه‌های عملکردی و کالبدی متنوعی دارد که آن را فضای برای حضور گروه‌های مختلف در شهر تبدیل کرده است. عملکردهای مختلفی از قبیل آموزشی، اداری، بهداشت و درمانی و تفریح و سرگرمی و از همه مهم‌تر قدم زدن از جمله عملکردهای مختلف این فضا است (تصاویر ۴ تا ۷).

ج- خیابان مطهری (رشت)

خیابان مطهری رشت یکی از فضاهای شهری است که از موقعیت ویژه‌ای در این شهر برخوردار بوده و به لحاظ دسترسی شرایط مطلوبی داشته و از نظر اکثر شهروندان، محیطی مطلوب ارزیابی شده است. این فضا دارای عملکردهای گوناگونی از جمله خرید، تفریح

امنیت پیاده را فراهم می‌کند؟ عدالت نیز به توزیع عادلانه خدمات و امکانات و عملکردها برای گروه‌های مختلف با توان‌های مختلف مالی و جسمی است.

معرفی نمونه‌های موردی

الف- محور خیابان آزادی حد فاصل میدان انقلاب تا اکباتان (تهران)

خیابان آزادی یکی از خیابان‌های اصلی تهران است که به لحاظ جنبه‌های مختلف معنایی، کالبدی و عملکردی و حتی اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. این خیابان به لحاظ معنایی، عناصر شاخصی چون میدان آزادی را در خود جای داده است که نماد شهر تهران به‌عنوان پایتخت ایران است. به لحاظ عملکردی نیز عملکردهای شاخص اداری و دانشگاهی مانند دانشگاه شریف و تهران و مرکز خرید کتاب را در شهر در برمی‌گیرد که اقشار مختلف اجتماعی را هر روزه به خود دعوت می‌کند. به لحاظ بعد اجتماعی نیز برگزاری راهپیمایی‌ها و نماز جمعه سبب شده این خیابان میزبان فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی باشد. علاوه بر این، وجود ترمینال غرب



تصویر ۱: موقعیت خیابان آزادی در شهر تهران. مأخذ: www.googleearth.com



تصویر ۲ و ۳: تصاویری از خیابان آزادی در شهر تهران. عکس: مریم چرخچیان، ۱۳۹۴.

و رستوران‌های مختلف است که گروه‌های مختلف را به خود جلب می‌کند. وجود فضاهای تجاری خطی که در تصویر قابل مشاهده است و حضور عناصر قدیم و جدید در کنار یکدیگر و حضور دائمی افراد از عناصر بارز این خیابان است (تصاویر ۸ تا ۱۱).

تحلیل داده‌ها

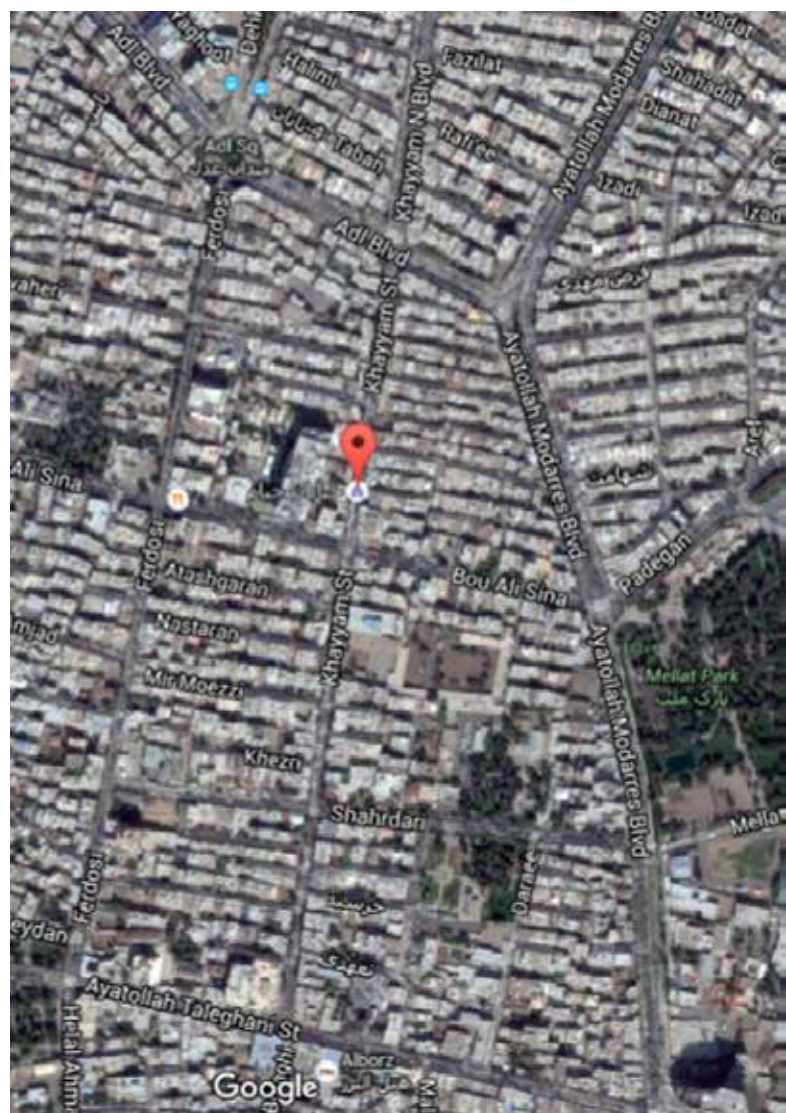
پس از انجام بررسی‌ها و امتیازدهی به هریک از متغیرها که به آن اشاره شد نتایج به صورت توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند که به تفکیک محورهای مورد مطالعه در ادامه آمده است:

محور آزادی

نتایج حاکی از آن است که محور مورد مطالعه بیشترین مطلوبیت را به لحاظ معنا و کمترین مطلوبیت را به لحاظ کارایی دارد. مطلوبیت معنایی این محور با وجود بناهای شاخص مانند میدان آزادی و مونومان‌های کالبدی و عملکردی موجود در آن است. عامل کارایی نیز به عدم حمایت مکان از حضور پیاده و تضاد اتومبیل و کاربران در فضا است (نمودار ۲).

محور خیابان خیام

این خیابان در قسمت شمالی خود از دسترسی سواره بهتر، حمل‌ونقل عمومی، پیاده‌روهای عریض‌تری و فضای سبز بیشتری برخوردار است. این فضا از سلامت و بهداشت لازم برخوردار بوده و دفع آب‌های سطحی و زباله به نحو مطلوبی در آن صورت می‌گیرد. کف‌سازی جز در محل تقاطع‌ها در سایر نقاط مناسب بوده و عوامل طبیعی تنها



تصویر ۴: موقعیت خیابان خیام در قزوین. مأخذ: www.googleearth.com

در قسمت شمالی مشهود است. وجود ترافیک نه تنها در این محیط آلودگی صوتی ایجاد کرده، بلکه برای عابران نیز تا حدودی عدم امنیت ایجاد کرده است. علاوه بر این، برخی از مبلمان شهری این خیابان فاقد جزئیات و موقعیت مناسب بوده و پیاپی روی را با مشکل روبرو کرده است. بررسی معیار سازگاری نیز نشان می‌دهد فضا دارای مقیاس انسانی مطلوب بوده و از ارتفاع مناسب، راحتی، دید و شیب مناسب برخوردار است و محیط به لحاظ آسایش روانی وضعیت نسبتاً مطلوبی دارد. در بخش عامل معنا، وضوح و ساختار روشن فضا، هویت متمایز به لحاظ کالبدی، عملکردی و اجتماعی، وجود مجسمه‌ها، درختان قدیمی، عناصر شاخص، حس مکان‌یابی مطلوب و سازگاری با هویت



تصاویر ۵ و ۶ : وضوح و ساختار روشن فضا به مطلوبیت فضا کمک کرده است. عکس : مریم چرخچیان، ۱۳۹۴.



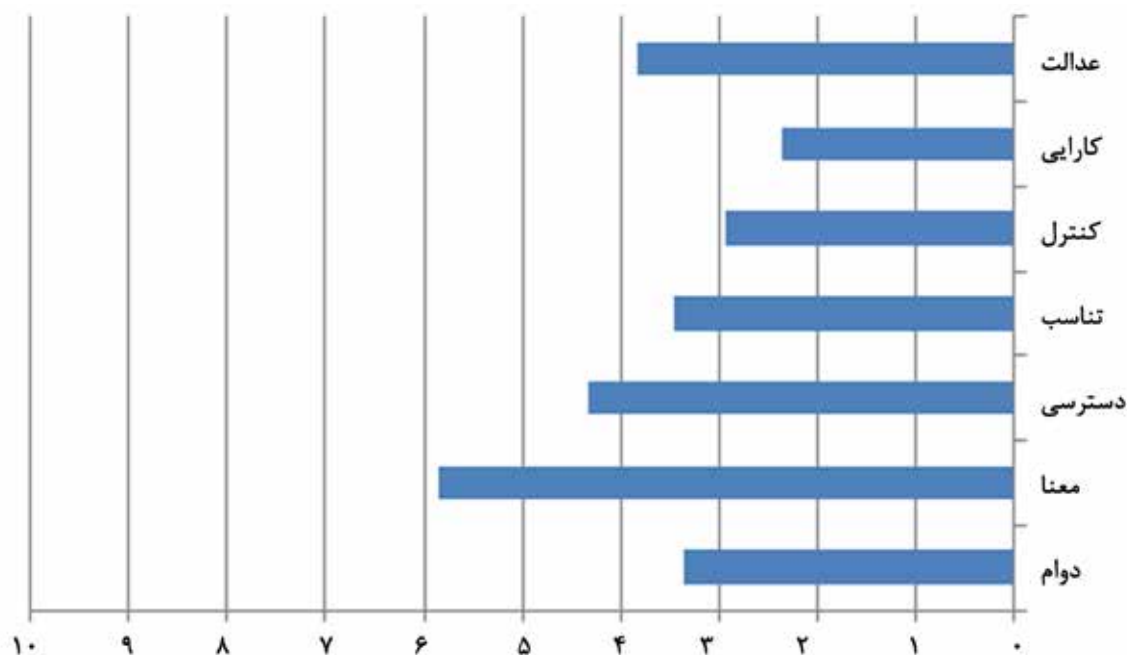
تصویر ۸ : موقعیت خیابان مطهری در شهر رشت. مأخذ : www.googleearth.com



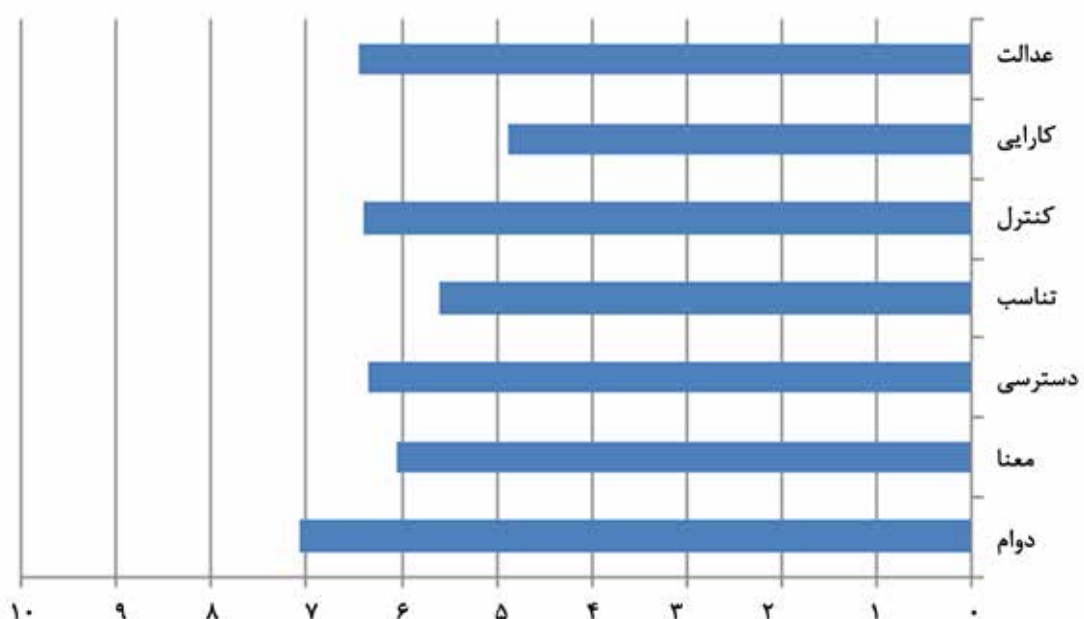
تصویر ۷ : وجود مجسمه‌ها باعث ایجاد حس مکان‌یابی مطلوب و سازگاری با هویت فرهنگی و اجتماعی می‌شود. عکس : مریم چرخچیان، ۱۳۹۴.

معیار عدالت در این فضا توجه چندانی به گروه‌های آسیب‌پذیر مانند سالمندان، معلولین و کودکان صورت نگرفته است اگرچه برای همه افراد جذابیت داشته و توزیع فعالیت‌ها و خدمات در امتداد آن به نحو متعادلی صورت گرفته است (نمودار ۳).

فرهنگی و اجتماعی به چشم می‌خورد. در این فضا مسئولین عملکرد مناسبی در نظارت به مکان دارند و مالکان نیز اقدامات لازم جهت حفظ و نگهداری آن به عمل می‌آورند. این فضا فاقد فضای پارکینگ به میزان لازم است و این معضل تضادهای عملکردی میان سواره و پیاده ایجاد کرده است. به لحاظ



نمودار ۲: مقایسه امتیازهای کسب شده در هر متغیر در محور خیابان آزادی تهران. مأخذ: نگارنده.



نمودار ۳: مقایسه امتیازهای کسب شده در هر متغیر در محور خیابان خیام قزوین. مأخذ: نگارنده.

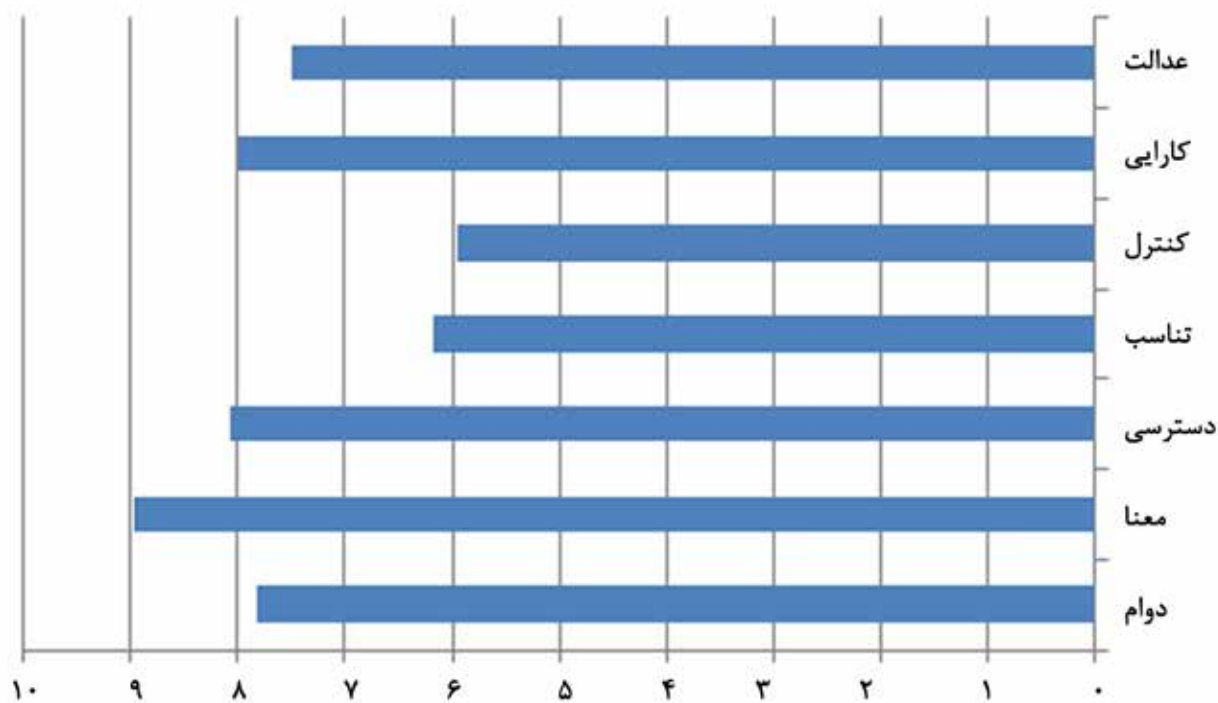


تصاویر ۹، ۱۰ و ۱۱: نمونه‌هایی از فضاهای تجاری در بدنه خیابان مطهری، رشت. عکس: مریم چرخچیان، ۱۳۹۴.

خیابان مطهری

دلیل تنوع عملکردی از زندگی روزمره مطلوبی برخوردار بوده و همجواری مطلوب فضا با عملکردهای تفریحی و آموزشی و مرکز شهر رشت نیز به غنای عملکردی این فضا کمک کرده است. نقطه ضعف این فضا عدم وجود حمل و نقل عمومی و گاه وجود موانعی در کفسازی و حضور دستفروشها است که حرکت پیاده را با محدودیت مواجه ساخته است. عدم وجود فضای کافی پارکینگ معضل دیگر این مکان است. در این مکان، هیچگونه مبلمان شهری جهت نشستن وجود ندارد و گاه برخی از مغازهها میز و صندلیهای خود را در فضای پیاده رو قرار می دهند (نمودار ۴).

خیابان مطهری به لحاظ بهداشت وضعیت مناسبی داشته و به علت تنوع مغازهها، و سرعت کم اتومبیلها از وضعیت مطلوبی به لحاظ امنیت برخوردار است. این خیابان علی رغم ساخت بناهای مرتفع در سالهای اخیر، هنوز از مقیاس انسانی مناسبی برخوردار است. وجود بناهایی خاص مانند دو مسجد قدیمی و ورودی بازار قدیمی رشت ضمن ایجاد خوانایی ساختاری روشن به آن بخشیده و برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم به علت وجود یک امامزاده در مجاورت خیابان سبب شکل گیری رویداد اجتماعی در آن شده است. این خیابان به

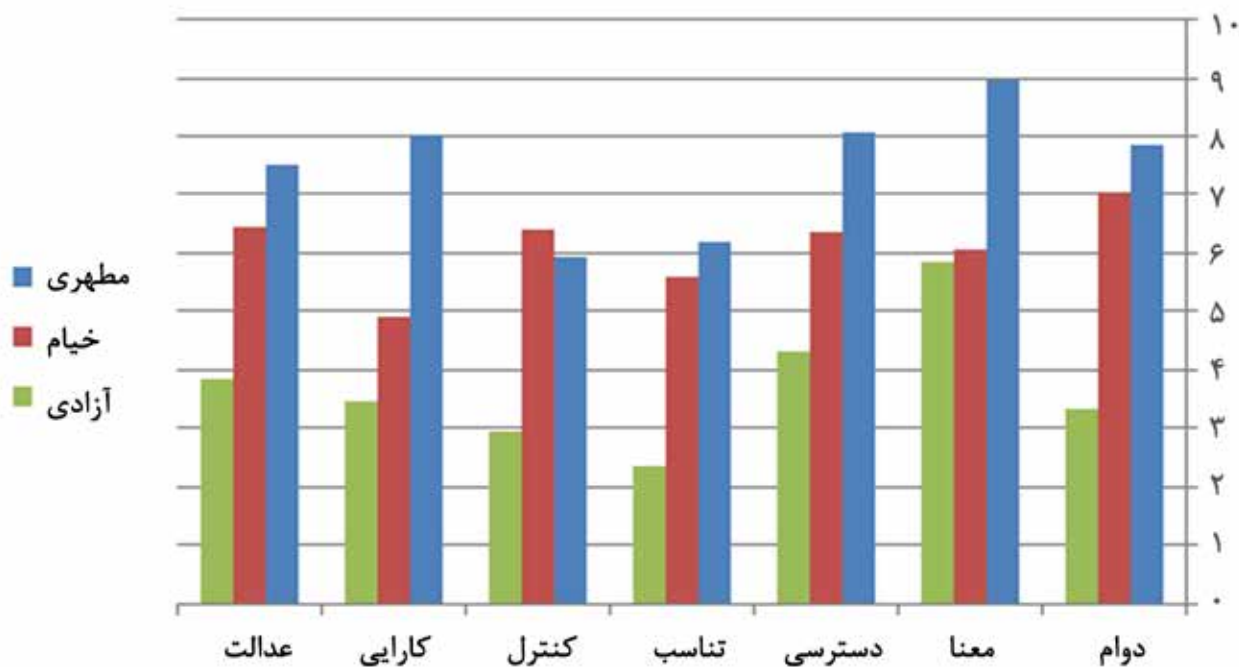


نمودار ۴: مقایسه امتیازهای کسب شده در هر متغیر در محور خیابان مطهری رشت. مأخذ: نگارنده.

است آنچه توانسته این محورها را به لحاظ حضور پیاده مطلوب یا نامطلوب نماید در درجه اول تأمین نیازهای اولیه و زندگی روزمره مردم در فضا یعنی دوام و کارایی و سپس ظرفیت فضا در ایجاد تناسب عملکردی و در نهایت عامل معنا است. در واقع پس از ایجاد ظرفیت‌های اولیه فضا در حمایت از زندگی روزمره و ایجاد زمینه حضور افراد است که به طور طبیعی به تولید معنا در فضا منجر می‌شود (نمودار ۵).

نکته آخر آنکه، تفاوت بارز در عامل دوام فضا میان نمونه‌های مطلوب و نامطلوب، بررسی مؤلفه‌های این عامل و مشاهدات میدانی در فضاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد مهم‌ترین مؤلفه همان مقیاس انسانی فضا است که بیشترین مطلوبیت را در فضا ایجاد می‌کند و بنابراین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی مقایسه‌های دقیق‌تری در جهت تعمیم‌پذیری این بُعد از فضا صورت گیرد.

نتیجه‌گیری | به‌طور کلی، براساس نظریه شهرسازی روزمره که بر تجارب مستقیم و زندگی روزمره در فضا استوار است می‌توان گفت: در خیابان آزادی با توجه به عدم تناسب فضا و عدم حمایت آن از عملکردهای جاری در فضا، کارایی و موازنه لازم بین ابعاد مختلف آن ایجاد نشده است. آنچه به این فضا معنا بخشیده عناصر هویت‌بخش کالبدی-عملکردی و حضور اجتماعی مردم در فضا است که در خلال زندگی روزمره آنها شکل گرفته است. در خیابان خیام نیز متغیرهای مختلف در توازن قرار دارند و بیشترین مطلوبیت به عامل دوام و عدالت تعلق دارد. در خیابان مطهری نیز معنا، دسترسی، کارایی و دوام به ترتیب بیشترین امتیازها را به خود نسبت داده‌اند. مقایسه این سه محور نیز حاکی از آن است که ضعف محور آزادی مربوط به کارایی فضا در قبال زندگی روزمره و دوام آن و سپس کنترل و عدالت و تناسب عملکردی فضا است. این مقایسه‌ها حاکی از آن



نمودار ۵: مقایسه امتیازهای کسب شده در هر یک از محورهای مورد مطالعه. مأخذ: نگارنده.

فهرست منابع

- Carr, S., Francis, M., Rivlin, L.G. & Stone, A. M. (1992). *Public Space*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Certeau, M. (1984). *The Practice of Everyday Life*. Berkeley: University of California Press.
- Crawford, M., Baird, G., Mehrotra, R. & Kelbaugh, D. (2005). *Everyday Urbanism*. (Michigan Database on Urbanism). Michigan: Monacelli Press.
- Fainstein, S.S. (2010). *The Just city*. New York: Cornell University Press.
- Francis, M. (1988). Changing values for public spaces. *Landscape Architecture*, 78: 54-59.
- Hamer, H. (2017). Returning Citizens: Social Inclusion and Occupational Justice for Mental Health Service Users. *Florianópolis*, 9 (21): 89-113.
- Hayden, D. (1995). The Power of Place: *Urban Landscapes as Public History*. Cambridge: MIT Press.
- Jacobs, A. & Appleyard, D. (1987). Toward an Urban Design Manifesto. *American Association Journal*, (1) 53: 112-120.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space*. Oxford: Blackwell.
- Lefebvre, H. (1996). *Writings on cities*. Cambridge, MA: Blackwell.
- Low, S. M. (2005). *Anthropological-Ethnographic Methods for the Assessment of Cultural Values in Heritage Conservation*. Research Report, Los Angeles: Getty Conservation Institute.
- Low, S.M. (1996). The Anthropology of Cities: Imagining and Theorizing the City, *Annual Review of Anthropology Journal*, 25: 383-409.
- Lynch, K. (1981). *A Theory of Good City Form*. Cambridge: MIT Press.
- Mitchell, D. (2003). *The Right to the City: Social justice and the fight for public space*. New York: Guildford Press.
- Pham, T.T.H., Apparicio, P., Landry, S. & Lewnard, J. (2017). Disentangling the effects of urban form and socio-demographic context on street tree cover: A multi-level analysis from Montréal. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 157: 422-433.
- Pliakas, T., Hawkesworth, S., Silverwood, R.J., Nanchahal, K., Grundy, C., Armstrong, B., Casas, J.P., Morris, R.W., Wilkinson, P. & Lock, K. (2017). Optimizing measurement of health-related characteristics of the built environment: Comparing data collected by foot-based street audits, virtual street audits and routine secondary data sources. *Journal of Health & Place*, 43: 75-84.
- Purcell, M. (2003). Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order. *International Journal of Urban and Regional Research*, 25 (3): 564-590.
- بهارستانی، رضا. (۱۳۹۳). *طراحی فضای باز جمعی با تأکید بر فضای باز و چند عملکردی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی. قزوین: دانشگاه آزاد قزوین.
- چرخچیان، مریم. (۱۳۸۸). *بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر افزایش دل‌بستگی به فضاهای عمومی شهری با تأکید بر تنوع فعالیتی*. پایان‌نامه دکتری شهرسازی. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه: علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). *تئوری شکل شهر*. ترجمه: سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Toombs, S. K. (1992). The body in multiple sclerosis: A patient's perspective. In D. Leder, Ed., *The body in medical thought and practice*. Dordrecht: Kluwer.
- Toombs, S. K. (1992). *The meaning of illness: A phenomenological account of the different perspectives of physician and patient*. Dordrecht: Kluwer.
- Toombs, S. K. (1995). *Sufficient unto the day: A life with multiple sclerosis*. In S. K. Toombs, D. Barnard & R. A. Carson (Eds.), *Chronic illness: From experience to policy*.
- Toombs, S. K. (1995). The lived experience of disability. *Human studies*, 18: 9-23.
- Violich, F. (1985). *Toward revealing the sense of place: An intuitive "reading" of four Dalmatian towns*. In D. Seamon & R. Mugerauer (Eds.), *Dwelling, place and environment: Towards a phenomenology of person and world* (pp. 113-136). New York: Columbia University Press.
- Violich, F. (1998). *The bridge to Dalmatia: A search for the meaning of place*. Baltimore: Johns Hopkins Press.
- Walzer, M. (1986). Pleasures and Costs of Urbanity. *Dissent*, 33: 470-475.
- Zachary, N. & Orum, M. (2010). *Common Ground? Readings and Reflections on Public Space*. New York: Routledge.